



نکاتی که باید درباره شکایت از دستورات و آیین نامه های دولتی بدانید!

یکی از مشکلات حقوقی که ممکن است برای هر یک از شهروندان پیش بیاید نحوه مواجهه آنها با دستورات و آیین نامه های خاص اداری است.

یکی از مشکلات حقوقی که ممکن است برای هر یک از شهروندان پیش بیاید نحوه مواجهه آنها با دستورات و آیین نامه های خاص اداری است. این مشکلات که انواع گوناگونی دارند اما وجهه مشترک همه آنها این است که برای پیگیری و شکایت از آنها باید به دیوان عدالت اداری مراجعه کرد. درباره اینکه باید برای چگونه مشکلاتی به دیوان اداری مراجعه کنیم موضوعی است که در مبحث صلاحیت دیوان عدالت اداری تعریف می شود و در این مطلب سعید بر آن است که به طور کامل تشریح شود.

به گزارش «تابناک» صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری به سه دسته تقسیم می شود. دسته اول رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحد های دولتی اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی، شهرداری ها، سازمان تأمین اجتماعی، تشکیلات و نهاد های انقلابی و مؤسسات وابسته به آن ها و نیز تصمیمات و اقدامات مأموران واحد های مذکور در بند اخیر در امور راجع به وظایف آن ها است. شخصی که می خواهد به شعب دیوان عدالت اداری مراجعه کند، علاوه بر اینکه می تواند از اقدام یا تصمیم خود دستگاه شکایت کند، می تواند از تصمیم و اقدام مأمور یا کارمند یا مستخدم دستگاه شکایت کند.

از بین مؤسسات عمومی غیردولتی، فقط شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی مصداق نهاد انقلابی است و رسیدگی به دعاوی علیه آن ها در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و سایر مؤسسات عمومی غیردولتی از رسیدگی دیوان خارج است.

مثلاً اگر کسی با مراجعه به سازمان تأمین اجتماعی، سابقه بیمه اش محاسبه نشود، می تواند در دیوان عدالت اعتراض کند یا چنانچه در مراجعه به شهرداری، تقاضای صدور پروانه ساختمانی فرد به هر دلیل رد شود مردم می توانند به صورت مستقیم به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند.

دسته دوم صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری «رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی هیات های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون هایی مانند کمیسیون های مالیاتی، هیات حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با قانون» است. به عبارت دیگر صلاحیت دوم، رسیدگی به آرای مراجع شبه قضایی است. به این شکل که قانون برخی مراجع شبه قضایی برای رسیدگی به شکایات و دعاوی مردم پیش بینی کرده است و آرای قطعی این مراجع در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض خواهد بود.

به عنوان مثال اگر سازمان امور مالیاتی برای مؤدی مالیاتی (پرداخت کننده مالیات)، به اصطلاح برگ تشخیص مالیاتی صادر کنند و فرد نسبت به آن اعتراض داشته باشد باید به هیات حل اختلاف مالیاتی مراجعه کند و رأی قطعی این هیات، قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است بنابراین شهروندان بابت اعتراض به برگ تشخیص مالیاتی نمی توانند مستقیم به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند.

همچنین اگر کارمندی در هیات تخلفات اداری محکوم شد رأی قطعی هیات تخلفات اداری قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است یا اگر کسی مرتکب تخلف ساختمانی شود، پرونده اش در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و بعد در تجدیدنظر رسیدگی می شود و رأی قطعی آن، قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری خواهد بود.

«رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحد ها و مؤسسات مذکور در بند یک و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آن ها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی.» سومین صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است.

بنابراین رسیدگی به دعاوی و شکایات استخدامی منحصراً در صلاحیت شعب دیوان قرار دارد و هر ذی نفعی با ارایه دادخواست به شعب دیوان، می تواند رسیدگی به موضوع را تقاضا کند.

این سه قسم از صلاحیت دیوان عدالت اداری، تفاوت های ظریفی دارند. دعوای قسم سوم مراجعه مستقیم اشخاص به دیوان عدالت اداری است یعنی هرکسی ممکن است برای ادعایی که حتی سال ها از آن گذشته است، به دیوان مراجعه و حقوق تضییع شده استخدامیش را مطالبه کند.

در قسم دوم که همان دعوای و اعتراض راجع به آرای هیات ها و مراجع شبه قضایی است، قانون سه ماه برای طرح شکایت در دیوان مهلت در نظر گرفته است؛ یعنی از زمان ابلاغ رأی قطعی مرجع شبه قضایی، اشخاص باید ظرف سه ماه به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند. در غیر این صورت، دعوای آن ها قابل طرح نخواهد بود.

اما شرط قسم اول این است که با اتخاذ تصمیم یک دستگاه، اقدامی صورت گرفته باشد که نسبت به آن امکان اعتراض فراهم باشد؛ یعنی شخص برای آنکه قسم اول را در دیوان عدالت مطرح کند ابتدا باید در دستگاه خواسته اش مطرح شود تا رد یا پذیرفته شود و سپس به دیوان عدالت اداری مراجعه کند.

دعوای شرکت های زیرمجموعه مؤسساتی همچون شهرداری ها و تأمین اجتماعی در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیست و فقط دعوای مؤسسات وابسته به آن ها در صلاحیت دیوان است همچنین آرای صادره از محاکم قضایی و همچنین تصمیمات قضایی، قابل اعتراض و رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری نیست.

رسیدگی به شکایت علیه اشخاص خصوصی اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی باید در محاکم عمومی مطرح شود و در دیوان عدالت رسیدگی نمی شود. به عبارت دیگر حتی رسیدگی به دعوای بسیاری از مؤسسات عمومی غیردولتی هم در صلاحیت دیوان عدالت نیست. مثلاً فدراسیون های ورزشی با اینکه موسسه عمومی غیردولتی هستند، ولی رسیدگی به دعوای آن ها در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیست.

چنانچه کارمندان واحد های دولتی اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی، شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهاد های انقلابی و مؤسسات وابسته به آن ها شکایت استخدامی داشته باشند می توانند به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند. به عنوان مثال مطرح می شود که باید این مقدار حقوق و مزایا، سنوات یا حق عائله مندی به فرد تعلق بگیرد یا یک کارمند شهرداری یا تأمین اجتماعی شکایتی مبنی بر اعتراض به اخراج یا بازنشستگی پیش از موعد تنظیم می کند.

رسیدگی به دعوای راجع به نهاد های انقلابی مثل کمیته امداد امام خمینی (ره)، جهاد دانشگاهی، بنیاد ۱۵ خرداد وhellip در صلاحیت هیات عمومی دیوان عدالت اداری است. نهاد های انقلابی نهاد هایی هستند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب مقتضیات دوران بعد از انقلاب و بعضاً به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شدند.

بر اساس ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اگر شخصی نسبت به آیین نامه ها، نظامات و مقررات دولتی شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی اعتراض داشته باشد، می تواند به دیوان عدالت اداری مراجعه و تقاضای ابطال آن را مطرح کند.

در سلسله مراتب مقررات، قانون در مجلس تصویب می شود و به تأیید شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام می رسد. مادون قانون اگر شخصی به مصوباتی مثل بخشنامه ها، آیین نامه ها، نظام نامه ها، شیوه نامه ها و دستورالعمل ها، اعتراض داشته باشد، به جز موارد خاص، قابل بررسی و ابطال در دیوان عدالت اداری است.

نکته ای که وجود دارد این است که در رسیدگی شعب دیوان عدالت اداری مثل مراجع دادگستری، شخص مراجعه کننده باید ذی نفع باشد یعنی اگر فرد ادعای تضییع حقوق استخدامی را دارد باید ذی نفع یا نماینده قانونی باشد. اگر فرد به رأی کمیسیون اعتراض دارد باید در آن ذی نفع باشد. اما در دعوی ابطال مصوبات، نظام نامه ها و آیین نامه ها لازم نیست که فرد ذی نفع باشد و هر کس می تواند ابطال این گونه مصوبات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

یکی دیگر از صلاحیت های هیات عمومی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به موضوع تعارض آرای صادره از شعب دیوان عدالت اداری است و صدور رأی وحدت رویه در این خصوص مشابه هیات عمومی دیوان عالی کشور است.

صلاحیت سوم هیات عمومی دیوان عدالت اداری ایجاد رویه است و در صورتی اتفاق می افتد که آرای مشابهی از دو یا چند شعبه دیوان صادر شود. اگر ۵ رأی مشابه از ۲ یا چند شعبه دیوان عدالت اداری به شکل قطعی صادر شده باشد

امکان صدور رأی ایجاد رویه وجود دارد که در این صورت آرای وحدت رویه و ایجاد رویه برای شعب دیوان عدالت اداری و دستگاه های ذی ربط لازم الاجراست.

در توضیح صلاحیت هیات عمومی باید گفت که تمامی قوانین وقتی تصویب می شوند از فیلتر شورای نگهبان عبور می کنند و از جهت مغایرت با قانون اساسی یا شرع مورد بررسی قرار می گیرند، اما در مورد مقررات مادون قانون اعم از بخشنامه ها و...؛ چنین کنترلی وجود ندارد بنابراین قانونگذار این امکان را به آحاد جامعه می دهد که از جهت ادعای مغایرت با شرع یا قانون آن را در دیوان عدالت مورد شکایت قرار دهند تا در صورت احراز مغایرت با قانون یا شرع ابطال شود.

جهاتی که سبب ابطال آیین نامه ها، نظامات و مقررات دولتی شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی می شود، را شامل مغایرت با شرع، مغایرت با قانون، عدم صلاحیت مرجع تصویب کننده، تجاوز از حدود اختیار، سوءاستفاده از اختیار و تخلف در اجرای قوانین و مقررات مردم که سبب تضییع حقوق اشخاص می شود، می توان برشمرد.